

ملی و یکسال از تأسیس حزب توده ایران - حزب مارکسیست - لنینیست طبقه کارگر ایران که در تاریخ معاصر کشور ما نقش عظیمی را ایفاء کرده و میکند میگذرد. علیرغم همه دشواریها بیروزی نهائی هدفهای ملی و خلقی حزب امروز بیش از همیشه مسلم است. تردیدی نیست که آینده از آن حزب طبقه کارگر ایران است.

مردم

ان مرکزی حزب توده ایران

پیام هیئت اجرائیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

به ورزشکاران ایرانی - شرکت کنندگان المپیک تابستانی ۱۹۷۲

ورزشکار در آن خورد میشود. در ورزش ایران تبعیض، دکانداری، پارتی بازی، سوداگری، بی نظمی، ریشه های عمیق دارد. ورزش ایران فاقد پایه وسیع توده ای است برای آن از سطح دبستان و کودکستان در ده و شهر تدارک دیده نمیشود. اعتبارات دولتی غالباً حیف و میل میشود و تازه مقدار آن باندازه کافی نیست. برخی از رشته های ورزش از امتیازات طبقات بالاست و در دسترس مردم قرار ندارد.

همه اینها منجر بوقوع حوادث تأسف آوری میشود. کافی است به سرنوشت قهرمان کشتی ایران تختی که از طرف مردم بلقب «جهان پهلوان» ملقب گردیده اشاره کنیم. کافی است از واقعه ای که اخیراً در مورد چند نفر فوتبالیست ایرانی رخ داد و سازمان امنیت آنها را برای تبلیغ بسود رژیم بیای رادیوها کشاند یادآوری نمائیم. حوادثی از این قبیل کم نیست این قبیل حوادث بارها ورزشکاران جدی و شریف را دلسرد و به کناره گیری وادار کرده است.

شما بهتر از هر کس میدانید که ورزش در تمدن امروز و فردای انسان چه نقش برجسته ای دارد. ورزش وسیله تأمین سلامت جسم و روح دنیاه در صفحه ۳

ما در المپیک تابستانی سال ۱۹۷۲ شرکت جسته اید، چند کلمه ای سخن گوئیم. هر ایرانی در هر جا که باشد با طیش قلب نگران کار و کوشش شماست و از کامیابی و افتخار شما خرسند و سربلند میشود. شما نماینده ورزش کشوری هستید که دارای باستانی ترین سنت ورزشکاری است. در سالهای اخیر شما بارها در رشته های مختلف ورزش به موفقیت های جهانی نائل آمدید و نام ایران را بلند آوازه کردید. ما معتقدیم که موفقتهای ورزش ایران بر مراتب و برابری از آنچه که هست بیشتر میشود اگر در آن وضع تأسف آور کنونی حکمروا نبود. با آنکه در سالهای اخیر در زمینه سبط و تکامل ورزش ایران کارهایی انجام گرفته ولی اولاً این کارها به پیچیده باسختگویی، کمالات واقعی مردمی که شمار گزیدگان ورزش آن هستند نیست. ثانیاً اسهوب و سازمان این کار از بنیاد دارای معایب عمیق است.

ورزش ایران جزء «متعلقات» دربار است. تیسارها و چاگران دربار همیشه ورزش ایران را در قبضه داشته اند و دارند. ورزش لانه جاسوسی و تقنین سازمان امنیت است. در سازمان ورزش ایران از ده کراسی خبری نیست و شخصیت

اینک فرصتی است که با شما جوانان عبور ورزشکار که بنمایند گی از مردم میهن

اعتصاب پیر و زمند رانندگان تهران

هیئت مدیره سندیکا (۱) در مصاحبه ای که بوسیله رادیو توپوزیون پخش گردید بالاتفاق اعتصاب را غیر قانونی و رانندگان را باخراج از کار تهدید کردند. چون این تهدیدها مؤثر نیفتاد و اعتصاب یکبارچه رانندگان و کمک رانندگان ادامه یافت و ۴۰۰ راننده از تشری و ۴۰۰ راننده دولتی و شهرداری را برای بکار انداختن ۸۰۰ اتوبوس بکار گماشتند. معلوم است که در شهر سه مایه یونی تهران این رانندگان نوکار به کافی و نه وارد بکار بودند. سرانجام این تلاشها بجائی نرسید و در صفوف پیوسته زحمتکشان شکاف پیدا نمود. پس از سه روز اعتصاب کارفرما ناچار بقبول خواست رانندگان شد و مبارزه با پیروزی کارگران پایان یافت. این بود بطور کوتاه جریان آغاز و انجام اعتصاب.

اینک ببینیم چرا کارگران دست به اعتصاب زدند و نقش وزارت کار و باصطلاح هیئت مدیره سندیکا، شهردار تهران و دستگاه دولتی در این جریان چه بود و پیروزی زحمتکشان چگونه بدست آمد.

دنیاه در صفحه ۴

وز پنجشنبه شهرور تمام رانندگان و اتوبوسهای تهران بلااستثناء اعتصاب زدند. روزنامه اطلاعات ناچار اعتصاب را که دیگر به پیچیده نمیشد کرد. با یک روز تأخیر چنین منتشر از ساعت یک و نیم بعد از ظهر دیروز کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی آغاز و در ساعت سه بعد از ظهر میل صاب دستجمعی گردید. رانندگان بعد از اطلاع از مقررات بی مشاغل و افزایش حقوق بیزانی م آنها را بر آورد نیککرد. بعنوان بکار نمایندگان خود و مطالبه مبلغ یون هیچگونه اعلام قبلی (۱)، دست به زدند... همین روزنامه نوشت که: رف دولت بلافاصله اعتصاب بعلت آنکه قانونی رعایت نشده بود، غیر قانونی دید. در جریان بعدی ۲۰ نفر با اتهام دانی اعتصاب غیر قانونی توقیف شدند. بز اول اعتصاب مدیر عامل شرکت رداقی، شهردار تهران نیک بینی، کار مجیدی، اعدادی دبیر تحمیلی ی رانندگان و نه نفر دیگر اعضای

امپریالیسم ژاپن در نقش جدید

در ایران نیست. با عملی شدن توافقات اخیر مناسبات اقتصادی ایران و ژاپن به مرحله تازه ای گام خواهد نهاد و ایران از بازار صدور کالا و خرید مواد خام و سوخت به میدان سرمایه گذارهای ژاپن تبدیل خواهد شد و ژاپن در کار سرمایه گذاری نیز مقام برجسته ای در اقتصاد ایران بدست خواهد آورد.

دمسازی با شرایط نوین

در مورد چه گونه گی و شرایط این سرمایه گذارها هنوز اطلاعاتی در دست نیست. انعقاد قرار داد های نهائی پس از مذاکرات تفصیلی در آئینه انجام خواهد گرفت. تازه پس از انعقاد این قراردادها نیز معلوم نیست که افکار عمومی بتواند از جزئیات آنها و بویژه از شرایطی که معمولاً در خارج از متن قرار داد های اصلی و ضمن موافقتنامه های «جنبی» تعیین میشود؛ آگاه گردد. این امر بررسی تفصیلی و همه جانبه چه گونه گی این سرمایه گذارها و شرایط مشخص آنرا در حال حاضر دشوار مینماید. با اینهمه اعلامیه مشترکی که در پایان

دنیاه در صفحه ۲

در جریان کنفرانس اخیر سرمایه گذاران ژاپن در ایران اعلام شد که انحصار گران این کشور در حدود ۱ میلیارد دلار در ایران سرمایه گذاری خواهند کرد. رشته هایی که این انحصار گران در آن سرمایه گذاری خواهند کرد عبارتست از: صنایع پتروشیمی، نساجی، الکتریک، قطعات صنایع خودرو، لاستیک سازی، تعمیرات کشتی (که بعدها گویا به کشتی سازی تبدیل خواهد شد)، نورد فولاد آهن ورق کالورائیزه، صنایع سنگین (ابزار برش و تولید ماشین آلات مخصوص صنایع شیمیایی، پتروشیمی، سیمان، لاستیک و پلاستیک).

ژاپن تاکنون در بازار گمانی خارجی ایران نقش مهمی داشته است. چنانکه در سال ۱۳۴۹ بیش از ۱۲ درصد واردات ایران از ژاپن انجام گرفت و در حدود ۵۰ درصد نفت خام و ۲۳ درصد فرآورده های نفتی ایران به این کشور صادر گردید. با آنکه ژاپن مقام اول را در خرید نفت خام و فرآورده های نفتی ایران و جای سوم را در صدور کالا بایران دارد، از لحاظ سرمایه گذاری دارای نقش قابل ملاحظه ای

اهمیت جهانی نفت خلیج

و نقشه های دامنه دار امپریالیسم جهانی برای آن

۱۹۸۰ مصرف جهانی نفت دو برابر خواهد شد. ضمناً کارشناسان بر آنند که دست کم طی ۱۵ - ۲۰ سال آینده هیچ منبع انرژی دیگری نمیتواند کشورها را از نفت بی نیاز سازد. منابع موجود انرژی نظیر گاز و زغال و غیره و نیز منابع نفتی که اخیراً در آلاسکا و دریای شمال و مناطق جاره آفریقا و جنوب شرقی آسیا کشف شده یا وجود داشته اند صرف نظر از گرانی هزینه های استکشاف و استخراج آنها حتی در صورت حداکثر بهره برداری از آنها فقط جزئی از نیاز روزافزون به نفت را برطرف خواهند ساخت. کل ذخائر مکشوفه نفت در جهان باستانهای

دنیاه در صفحه ۳

طی سالهای اخیر نفت در قیاس با سایر جهانی انرژی اهمیت روزافزون کسب و سهم آن به بیش از نیمی از این منابع است. تولید سالانه نفت در جهان ۴۰ میلیارد تن فرورنتر شده ولی در میان کشورهای سرمایه داری فته فقط آمریکا و کانادا ذخائر نفتی یش قابل ملاحظه دارند. منابع نفتی غربی و ژاپن در قیاس با نیازمندیهای سایر ناچین است و نفت را بطور عمده لقه خلیج فارس و نیز از آفریقا و ای لاین و جنوب شرقی آسیا وارد طبق بر آورد اقتصاد دانان تا سال

برای اینکه سرنوشت جامعه و میهن را در دست خود بگیریم باید برای عملی شدن حقوق و آزادهای دمکراتیک که در قانون اساسی و اعلامیه حقوق بشر تصریح شده و بر ضد استبداد و رژیم پلیسی و جنایات سازمان امنیت با تمام وسایل و با تمام قوا مبارزه کنیم!

دنباله از صفحه ۱
امیرالیسم ژاپن در نقش جدید

کنفرانس انتشار یافت، با وجود کلی بودن میتواند بر هدف و ماهیت این سرمایه گذارها پرتو افکند. در اعلامیه گفته میشود: «کنفرانس تحولات اخیر بازرگانی، اقتصادی و پولی جهان را به تفصیل بررسی نمود و با توجه به این تحولات در زمینه ارجحیت های صنعتی و اقتصادی آینده ژاپن و خط مشی جدید این کشور که بدنبال تجدید نظر در این ارجحیت در روابط اقتصادی و بازرگانی خود اتخاذ خواهد کرد، تبادل نظر نمود.» اگر کلمه «تبادل نظر» را که بیشتر جنبه تعارف و تشریفاتی دارد، کنار بگذاریم، مفهوم واقعی تمام جملات مبهم و کلمات معلق فوق اینست که امپریالیسم ژاپن با در نظر گرفتن اوضاع و احوال کنونی جهان و شرایط کنونی رشد اقتصادی خود میخواهد در سیاست اقتصادی کشور و نیز در مناسبات خود با کشورهای نظیر ایران اصول و شیوه های تازه ای بکار گیرد.

پیش از بررسی نکات عمده این اعلامیه یادآوری نکته زیرین را ضرور میسازیم: عوامل متعددی نظیر مبارزه در راه استقلال اقتصادی در کشورهای در حال رشد، کمک مادی و معنوی کشورهای سوسیالیستی باین مبارزه، تشدید رقابت میان کشورهای امپریالیستی برای حفظ و تحکیم پایه گاههای اقتصادی و اجتماعی خود در کشورهای در حال رشد، انقلاب علمی و فنی و عوامل دیگر کشورهای امپریالیستی را ناگزیر ساخت تا در مناسبات اقتصادی خود با کشورهای «جهان سوم» تجدید نظر کنند و بر رشد برخی رشته های صنعتی که ضمن توسعه مناسبات سرمایه داری در این کشورها بتواند رشته های جدید وابستگی باین کشورها تحصیل کند، کمک نمایند. این سیاست جدید، همان سیاست نو استعماری است و ژاپن نیز در این میان استثنا نیست و میخواهد خود را با شرایط جدید همساز کند.

از صدور کالا به صدور سرمایه

ژاپن که پس از جنگ دوم جهانی بطور عمده به صدور کالا متکی بود، از اواسط سالهای ۵۰ وارد بازار سرمایه شد. در آن زمان میزان سرمایه گذارهای خارجی ژاپن کم بود و فقط از اواسط سالهای ۶۰ دامنه این سرمایه گذارها گسترش مییابد. با اینهمه سرمایه گذارهای خارجی ژاپن در کشورهای در حال رشد در قیاس با سرمایه گذارهای سایر کشورهای امپریالیستی بسیار قلیل بود و بطور عمده به منطقه آسیای جنوب خاوری و خاور دور محدود میشد.

بیشترت سریع اقتصادی و رقابت موفقیت آمیز ژاپن در صدور کالا، به این کشور امکان داد تا ذخائر طلا و ارز خود را بسی افزایش دهد. چنانکه میزان این ذخائر در

سال ۱۹۷۱ به ۱۴۰ میلیارد دلار رسید و از این لحاظ جای دوم را در جهان اشغال نمود. وجود این سرمایه هنگفت به ژاپن امکان میدهد که اکنون به نقش خود در بازار سرمایه گذاری بیفزاید. ژاپن در نظر دارد در سالهای ۷۰ میزان بیسابقه ای به صدور سرمایه بپردازد و توجه خود را با فریقا و امریکای لاتین و آسیای میانه از جمله ایران معطوف دارد. در گزارش «شورای بررسی استرودکتور صنعتی» ژاپن گفته میشود که این کشور تا سال مالی ۸۱ - ۱۹۸۰ سالانه باید ۲۲ درصد به میزان سرمایه گذارهای مستقیم خارجی خود بیفزاید.

در اعلامیه مشترک ایران و ژاپن در این مورد گفته میشود: «کنفرانس توجه نمود که ژاپن مصمم است موجودی ارزی خود را کاهش دهد و میزان افزایش آتی این ذخائر را باین آورد. کنفرانس همچنین به این نکته توجه کرد که انتظار میرود بر میزان سرمایه گذاری ژاپن در خارج در سالهای آینده سرعت افزوده گردد و در این زمینه اظهار رضایت نمود که سرمایه گذارهای آتی ژاپن در ایران با سرعتی بیمراتب بیشتر از رشد جهانی آن افزایش خواهد یافت.»

تولید بجای خرید

رشد سریع و بیسابقه اقتصاد ژاپن در سالهای پس از جنگ، به عدم تناسب میان رشته های صنعتی این کشور بسی افزود. ناهماهنگی میان تولید مواد خام و اولیه و سوخت از یکسو و حوائج صنایع تبدیلی ژاپن باین مواد از سوی دیگر شدت یافت. ژاپن بدون وارد کردن مواد خام و اولیه و سوخت نمیتواند صنایع خود را رشد دهد. این مواد بیشتر در کشورهای در حال رشد تولید میشود و سایر کشورهای امپریالیستی تسلط خود را تاکنون بر این رشته ها حفظ کرده اند و از این لحاظ خطری دائم اقتصاد ژاپن را تهدید میکند. ژاپن اکنون در نظر دارد بجای خرید مواد خام و اولیه و سوخت از کشورهای در حال رشد به «میانجیگری» سایر کشورهای امپریالیستی، خود «صاحب» چنین منابعی در کشورهای در حال رشد گردد. دولت ژاپن در سال ۱۹۷۰ شعار «تأمین مستقلا» کشور را با مواد خام و انرژی مطرح ساخت. بعقیده مخالف اقتصادی ژاپن سالهای ۷۰ باید دوران تجدید تقسیم منابع جهانی مواد خام و سوخت باشد و شرکت فعال در این تجدید تقسیم یکی از هدفهای استراتژیک امپریالیسم ژاپن در عرصه سیاست اقتصادی این کشور اعلام شده است. صنایع محاسبه وزارت بازرگانی خارجی و صنایع ژاپن، این کشور فقط برای تأمین صنایع فولاد گذاری خود با مواد خام و اولیه در ۱۰ سال آینده باید ۴۰ میلیارد دلار در خارج از کشور سرمایه گذاری کند.

در اعلامیه مشترک ایران و ژاپن، کشور مامحل مناسبی برای این کار تشخیص داده شده است: «کنفرانس همچنین توجه نمود که

موفقیتهای ایران در امر توسعه صنعتی همراه با منابع فراوان انرژی مخصوصاً نفت و گاز مایع و سایر منابع طبیعی و امکانات این کشور در تهیه کالاهای واسطه و مصرفی آغاز دوران تازماری را نوید میدهد.»

عوامل مشد

علاوه بر آنچه گفته شد عوامل دیگری نیز وجود دارد که نیاز ژاپن را به سرمایه گذاریهای خارجی تشدید میکند. در نتیجه مبارزات طولانی طبقه کارگر ژاپن، سطح دستمزدها در این کشور بالا رفته و عاملی که باعث ارزانی و قدرت رقابت کالاهای ژاپنی در بازارهای جهانی میشد، بتدریج تأثیر خود را از دست میدهد. دولت ژاپن بیش از پیش به استثمار نیروی کار ارزان در خارج از کشور نیاز پیدا میکند و میکوشد رشته های کار طلب را در خارج از مرزهای کشور خود - در کشورهای در حال رشد - احداث کند و بدین طریق بحساب استثمار زحمت کشان سایر کشورها به قدرت رقابت خود با سایر کشورهای امپریالیستی بیافزاید.

رقابت موفقیت آمیز ژاپن با کشورهای امپریالیستی بویژه با آمریکا، این کشورها را با ژاپن درگیر کرد. این کشورها سرانجام توانستند برای کاستن از قدرت رقابت ژاپن افزایش ارزش پول ژاپن «ین» را باین کشور تحمیل کنند و آنرا به خود داری «داوطلبانه» از صدور برخی کالاهای آمریکا و اروپای غربی وادارند. تحمیل این دو اقدام به صدور مستقیم کالا از ژاپن لطمه وارد میسازد و ژاپن برای جبران آن میخواهد با ایجاد برخی رشته های صنعتی در کشورها که دارای مواد خام و اولیه و سوخت و نیروی کار ارزان هستند و شرایط مساعدتری برای ورود سرمایه های خارجی فراهم میآورند، با زهم به قدرت رقابت کالاهای خود بیافزاید و در عین حال از برخی امتیازات گمرکی که کشورهای صنعتی سرمایه داری در سالهای اخیر برای کالاهای ساخت کشورهای «جهان سوم» در نظر گرفته اند، برای صدور غیر مستقیم کالاهای خود به این کشورها استفاده کند یعنی از این راه تحمیلات آمریکا و برخی کشورهای اروپای غربی را خنثی کند.

تقسیم کار نو استعماری

عواملی که ذکر شد هدف واقعی سرمایه گذاری ژاپن را در ایران بخوبی آشکار میسازد. ژاپن میخواهد دشواریهای رشد اقتصادی خود را با استفاده از مواد اولیه و نیروی کار ارزان ایران بحساب کشورها برطرف کند. طبیعی است سرمایه گذاری ژاپن به احداث برخی رشته های صنعتی در ایران منجر خواهد شد. ولی آنچه تاکنون گفته شد بخوبی نشان میدهد که این رشته های صنعتی کاملاً در جهت نیازمندیهای رشته اقتصادی ژاپن

خواهد بود و علاوه بخشهایی از اقتصاد را وابسته صنایع ژاپن خواهد ساخت. در اعلامیه کنفرانس گفته م «طرفین با الهام از فرمایشات دور شاهنشاه اعلام نمودند که منظور از سرمایه گذاریهای مشترک بین دو کشور تأمین کوتاه مدت و معامله گری نخواهد بود. روابط همه جانبه و دائمی را پایه گذاری کرد. از این جهت ژاپن سیاستهای خود را بطور مثبت اتخاذ خواهد نمود تا تقسیم کار در سطح بین المللی را بنحوی نمایند که صنایع اشتغال را و صنایع فر

های واسط را بتدریج به مالکی که مواد اولیه این صنایع میباشند، منتقل نه این بخش از اعلامیه ماهیت سر گذارهای ژاپن را در ایران کاملاً افشا و نشان میدهد که انحصار گران ژاپن تقسیم کاری را میخواهند به اقتصاد تبدیل کنند. «صنایع اشتغال زا» همان کارطلبی هستند که بدون سرمایه گذار میگفت سود فراوان نصیب انحصار گران (ضمناً در اینجا خلعت «صنایع سنگین» ژاپن میخواهد در ایران بوجود آورد، میشود) و «فرآوردهای واسط» همان اولیه و خامی هستند که باید صنایع ک ژاپن را تقویت کنند و عملاً صنایع ک به زاغده صنایع یک کشور امپریالیستی کنند و این نوع تقسیم کار همان تقسیم نو استعماری است که دول امپریالیستی شرایط کنونی آن توسل میجویند. امپریالیسم ژاپن و انحصار گران ژ در عرصه صدور سرمایه و «کمک» صنعتی کشورهای در حال رشد رسالت خود ندارند و بهتر از سایر همکاران خود نمیکند.

دنباله از صفحه ۳

فقر در آمریکا

ایالات متحده آمریکا در هر گوشه ای بامند فقر برخورد میکند بویژه در شهرهای پر جمعیت یا در دهات دور افتاده. ولی بیش از همه در جنوب کشور دیده میشود، ۴۴ درصد کشور در جنوب بسر میزند. مجله مینویسد: «در حالیکه ساهاان در صد اهالی کشور را تشکیل میدهد (۳۰ درصد آنها) جز فقر محسوب میشوند. شماره حساب بانکی یک ایران، ماه مردم، مجله دنیا و مجله مسائل بین المل بشرح زیر است:

weden
stockholm
stockholms Sparbank
: 0 400 126 50
John Takman

باید برای استقرار استقلال ودمکراسی علیه امپریالیسم و استبداد، بدون تسلیم طلبی و سازشکاری در مقابل رژیم، بدون ماجراجوییهای بی سرانجام، در تمام عرصه های سیاسی و اقتصادی و فکری با استفاده از کلیه وسایل ممکن مبارزه کرد. تنها این مبارزه است که راه را بتدریج برای تحول بنیادی کشور خواهد گشود.

از صفحه ۱

اهمیت جهانی نفت خلیج

رهای سوئالیستی اکنون به ۷۳ میلیارد رسیده و ولی نزدیک به ۵۰ میلیارد تن ذخائر در منطقه خلیج فارس متمرکز و بقیه آن که فقط ۲۳ میلیارد تن میشود اسرائیل، ترکیه، پاکستان، هند و جنوبی بقیه شمالی و حاره و جنوب شرقی آسیا نده است. مجموع ذخائر مکشوفه نفت تا فقط به ۵ میلیارد و کل ذخائر آن را سه قاره آمریکا، شمالی و جنوبی به ۱۱ میلیارد تن میرسد. همچنین یادآور میشود که زان ذخائر مکشوفه نفت ایران ۷۵۰ میلیارد تن است.

نفت برای امپریالیسم جهانی و در درجه امپریالیسم آمریکا فقط منبع سودهای است و وسیله توسعه نفوذ سیاسی نیست. نفت برای کشورهای امپریالیستی از آنجهت است که بدون آن اقتصاد های امپریالیستی بکلی فلج خواهد شد. در سال گذشته میزان استخراج نفت طقه خلیج فارس به بیش از ۸۰۰ میلیون سید. اروپای غربی ۴۷ درصد و ژاپن ۲۵ درصد نفت مصرفی خود را از کشور منتخب خاور میانه وارد کردند و این در سالهای آینده سرعت افزایش خواهد

ایالات متحده آمریکا بموجب برآورد دانیان آن در سال ۱۹۸۵ مجبور بود هر سال نزدیک به ۸۰۰ میلیون ت وارد کند و حسابش اینست که قریب ۳۰ میلیون تن آنرا فقط از محل منابع خلیج فارس تأمین نماید.

به همین جهت منابع نفت منطقه خلیج در ای استراتژیک امپریالیسم آمریکا جای اجزای مهم نفت است. نفت این منطقه در برای انحصارات نفتی کشورهای سرمایه و در درجه اول آمریکا و انگلستان از آن تمام شده. در سال ۱۹۶۰ یک میلیون دلار آمریکا بیش از ۱۲۰ میلیون دلار هزینه اش. در سالهای اخیر کشورهای نفتخیز شاپیش آنها برخی از کشورهای عربی، تازاگری های بیرحمانه انحصارات

بفاطمیت به مبارزه برخاستند و با استفاده مع جهانی مساعد در درجه اول پشتیبانی نجاد شوروی توانستند شرایط تازه ای خود به کارتل جهانی تبدیل کنند. در سال جاری نخست جمهوری عراق و سپس دارائی کشور بین المللی بیرومتد ک پترولیم کمیانی را ملی اعلام کردند. مجله آمریکائی «یونایتد استیتس نیوز» در ژوئن سال جاری «اگر سیستم سابق که نفت ارزان بر تصمیم میگرد از هم فروپاشد اقتصاد وهم پیمانان آن در ثانوی ضریب سنگین خواهد آمد»

در سالهای اخیر سیستم تحت الحمایگی

وسیطره استعماری مستقیم امپریالیسم انگلیس در منطقه خلیج فرو پاشید و سپس فدراسیون شیخ نشینهای ساحل جنوب خلیج بنید آمد. اکنون لندن بطور عمده به سلطان نشین عمان که وابسته به انگلستان است تکیه دارد و در مسقط و سلاله پایگاههای هوائی احداث کرده است و از همانجاست که هواپیمای انگلیسی علیه ارتش آزادیبخش ظفار به پرواز در می آید. پایگاه هوائی و دریائی بزرگ انگلستان در مسیر واقع در کرانه جنوب شرقی شبه جزیره عربستان توسعه می یابد و در عین حال برای زیر دریائی های آمریکا نیز همانجا پایگاه احداث میشود.

امریکا تاکنون از جبهه گیری مستقیم در برابر نیروهای میهن پرست این منطقه پرهیز داشت و ترجیح میداد که با دست دیگران عمل کند. تکیه گاه اساسی آمریکا در شبه جزیره عربستان همچنان همان رژیم سلطنتی مستبد عربستان سعودی است که با کارتهای بین المللی نفت پیوند استوار دارد. ولی امپریالیسم آمریکا میکوشد مواضع خود را در سراسر منطقه خلیج فارس مستحکم سازد. سسکونکو معاون وزارت خارجه آمریکا در امور خاور نزدیک در اوایل اوت امسال گفت: «امریکا در منطقه خلیج فارس دارای منافع استراتژیک و اقتصادی بساز است و قصد دارد حضور نظامی خود را در آنجا حفظ کند»

حضور نظامی آمریکا در این منطقه با احداث پایگاه نظامی در بحرین آغاز شد. ستاد فرماندهی نیروهای دریائی آمریکا در خاور نزدیک نیز در همانجا مستقر است. علاوه بر این بطوریکه منافع موقوت اطلاع میدهند وزارت جنگ در نظر دارد پایگاههای هوائی جزائر محرق و منامه را نیز در مجمع الجزایر بحرین تحت کنترل خود بگیرد. آمریکا در سال ۱۹۷۱ پیش از خروج نیروهای انگلیس از شارجه پایگاه هوائی آنرا «اجاره کرد» و اینک در نظر دارد فرودگاههای کاملاً مدرن ابو ظبی و دبی و دوحه (در قطر) را نیز به قبضه خود در آورد.

ولی نقشه های آمریکا بدینچاهان نمیدرند. واحدهای نیروی دریائی آن در خلیج فارس در اختیار فرماندهی نیروهای آمریکا در اقیانوس آرام قرار داده شده است و هدف از این اقدام آستیکه ناوگان آمریکا در خلیج فارس بوسیله کشتی های جنگی ناوگان هفتم تقویت شود. به همین جهت ستاد نیروی دریائی آمریکا در صدر برآمد جزیره ابو موسی را نیز که نیکی از

آن ظاهر آریان تعلق یافته است به پایگاه خود تبدیل کند و شاه و دولت او که پیروی از استراتژی و نقشه های تجاوز کارانه آمریکا را برای حفظ یونتهای خود با امپریالیسم جهانی ضروری میدانند جزیره ابو موسی را کاملاً در اختیار نیروی دریائی آمریکا قرار دادند و بدینسان اکنون تجدیدنی برای تشدید و خامت در خلیج فارس پدید آورده اند.

دنباله از صفحه ۱

پیام هیئت اجراییه

و مبنای تدارک قدرت کار، عزم قهرمانی و مبارزه است. نقش ورزش در میان ملل جهان سرعت بالا میرود. ورزش در صحنه بین المللی به وسیله مهم همکاری و دوستی بین خلقها بدل شده است. ما بر آنیم که ورزشکاران ایران نباید بقیه وضع کنونی را در سازمان ورزش ایران تحمل کنند، بلکه باید با استفاده از امکانات برای ایجاد یک تحول عمیق و مثبت در ورزش ایران دست به مبارزه زدند.

بنظر ما مبارزه منطقی و بیگرو و شجاعانه ورزشکاران ایران میتواند تحت شعارهای زیرین انجام گیرد:

۱- ورزش نباید وسیله ای در دست دزدان باشد و تحت کنترل تیمساران و چاکران دزدان قرار گیرد. اداره امور ورزش باید بدست کارشناسان این رشته یعنی خود شما ورزشکاران سپرده شود.

۲- از تبدیل ورزش بوسیله ای برای سوداگری و انتفاع خصوصی باید اکیداً جلوگیری بعمل آید. رشته مهم و خصاسی مانند ورزش نباید با روح دکانداری و سودورزی آلوده گردد.

۳- ورزش باید توده ای شود و در سطح مدارس توسعه یابد و اعتبارات کافی برای گسترش نیرومند ورزش و ایجاد باشگاههای ورزشی و تأمین امکان وسیع تمرینهای ورزشی در سراسر کشور اختصاص داده شود و از آنجمله باشگاههای ورزشی در جنب کارخانهها

دستگاه تبلیغاتی امپریالیستی رخنه در ورزش افرون نیروی دریائی آمریکا در خلیج فارس ناشی از ضرورت برقراری «توازن» نیروها در این منطقه. که گویا با خروج انگلستان برهم خورده است جلوه میدهد. ولی این دعوی بکلی بی پایه است. امپریالیسم آمریکا با توجه به اهمیت روز افزون خلیج فارس و نیازمندی مبرم خود به منابع آن میخواهد کرانه های جنوبی خلیج فارس را نیز به «حریم» خود تبدیل کند و برتری استراتژیک خود را در این منطقه تأمین نماید. جنبه های تبلیغاتی که گاه گاه در باره «توسعه طلبی» اتحاد شوروی در خلیج فارس و اقیانوس هند برپا میشود و بلند گویان تبلیغاتی رژیم ایران نیز از بیسی آن بصدا در می آید فقط برای موجه جلوه دادن همین اقدامات نظامی وزارت جنگ آمریکا است. اخبار برای تصریح این مطلب که خلیج «حریم» امپریالیسم است دعوی میشود که این منطقه «جناح شرقی» میان ناتو را تشکیل میدهد.

دنباله روی آگاهانه دولت ایران از نقشه های نظامی تجاوز کارانه آمریکا وهم بیمانانش در منطقه خلیج صلح این منطقه و امنیت کلیه کشورهای مجاور آنرا شدیداً بخطر میاندازد. پیروی از این سیاست نا بخردانه خلاف روح زمان و حیانت به مصالح حیاتی مردم ایران است.

پ. هرمن

و مؤسسات ایجاد گردد و توسعه یابد.

۴- در ورزش ایران باید با تبعیض، دزدی و زور گویی مبارزه شود. سازمان ورزش ایران باید بر پایه دمکراتیک قرار گیرد تا هر ورزشکار بتواند در آن شخصیت خود را حفظ کند و سخن و رای خود را داشته باشد و در جریان کار مؤثر باشد.

۵- دست سازمان امنیت نباید از ورزش ایران کوتاه شود. ورزش نباید لانه جاسوسان و مأمورین این سازمان قرار گیرد.

تردید نیست که در شرایط رژیم ترور و اختناق، تسلط دزدان و چاکران بر ورزش ایران، این مبارزه، مبارزه آسانی نیست و ولی یکی از شرایط واقعی غیرتمندی و روح ورزشکاری دست زدن به مبارزاتی است که در آن سود ورزش ایران و منفعت تمام مردم نهفته است. علاوه بر این مبارزه با استفاده از سازمانها و مقررات موجود ورزشی با خردمندی و دقت کافی بایستی در طول مدت ادامه یابد، مسلماً میتواند به نتایج لازم برسد.

هیئت اجراییه

کمیته مرکزی حزب توده ایران
۴ شهریور ۱۳۵۱

فقر در آمریکا

مجله بورژوائی معروف آمریکا «یونایتد سیتس نیوز» اندرلد رپورت در شماره ای که دهم اوت ۱۹۷۲ نشر یافته بر اساس گزارش «گروه ویژه اقتصادی» که از طرف دولت امریکا مأمور بررسی مسئله فقر در ایالات متحده بوده است، اطلاعاتی نشر داده است. این اطلاعات از جهت اعتراف رسمی مقامات و مطبوعات سرمایه داری آمریکا فوق العاده جالب است.

مجله نامبرده تحت عنوان «آیا امریکائی شکوفان میتواند به فقر پایان دهد» مینویسد: «برای ایالات متحده امریکا که غنی ترین کشور روی زمین است مبارزه با فقر همبدم دشوارتر میشود... امروز تعداد کسانی که آنها را با عنوان «فقیر» توصیف میکنند بیش از سه سال پیش است. امکان دارد که ایالات متحده امریکا هرگز از تعداد کثیری فقراء واقعی که برای تأمین اولیه ترین حوائج زندگی احتیاج به مساعدت دارند خلاص نشود.» تعداد فقراء امریکابه ۲۵ میلیون و پانصد هزار نفر بالغ است و این تعداد برابر است با ۱۲ درصد کل نفوس امریکا. مجله می نویسد: «از هر هشت تن امریکائی یک نفر در فقر بسر میرد... صاف و ساده ما در جریان یافتن امکانات مساعدت به مستمندان و فقیران به بن بست افتادیم. کسانی که امکان داشتند از اعماق فقر خود را بهتر زوری که هست بیرون بکشند در سالهای شصت این کار را کرده اند و کسانی که از عهد این کار بر نیامده اند در همان اعماق باقی مانده اند... انسان در

دنباله در صفحه ۲

مردم ایران خواستار اجراء تمام و کمال قانون ملی شدن صنایع نفت هستند و بر آنند که شرایط جهان برای تأمین این منظور از همیشه مساعد تر است. مردم ایران تمديد قرار داد با کنسرسیوم را خانت بمنافع ملی میدانند و این قرار داد ها را بر سمیت نمی شناسند.

دنباله از صفحه ۱

اعتصاب پیروزمند رانندگان تهران

خواست رانندگان

طبق اظهار ارداقي، مدير عامل شرکت واحد اتوبوسرانی، در بهمن ماه ۱۳۵۰ قراردادی دستجمعی با رانندگان بسته شد که شرکت را موظف باجرای مواد آن و از جمله طبقه بندی مشاغل رانندگان و کمک رانندگان میکرد. (این قرار داد خود نتیجه اعتصاب همگانی رانندگان در سال پیش بود) از بهمن ماه تاکنون شرکت با نجاه گوناگون از اجرای قرار داد خود داری کرد و از اجرای طرحی که وزارت کار و امور اجتماعی برای طبقه بندی مشاغل در مورد رانندگان تهیه کرده بود امتناع نمود. مدیر عامل شرکت در جریان مصاحبه علت این امتناع را چنین شرح میدهد: «... متوجه شدیم با وضع بندی که شرکت واحد از لحاظ مادی دارد ممکن است زیاده کسرتن چنین طرحی برای ما باعث درد سر شود بلافاصله بوزارت کار مراجعه کردیم که بیینم طرح مذکور تا چه حد معقول است» وزارت کار که خود طرح را تهیه و تنظیم کرده بود بجای آنکه کار فرما را وادار باجرای آن کند جلسه ای با شرکت کار فرما و هیئت مدیره سندیکای رانندگان که با دخالت سازمان امنیت و کار فرما بکارگران تحمیل شده اند تشکیل داد. کار فرما باین دستاویز که: «با توجه بوضع بد مالی شرکت واحد و با فشاری دولت که نمیخواهد بلبطها گران شود و بزمرد پایتخت تحمیل گردد» قبول کرد که شرکت فقط بین ده تا ۱۰ درصد بحقوق رانندگان باافزاید. نمایندگان وزارت کار و هیئت مدیره سندیکا هم تسلیم نظر کار فرما شدند و کار را پایان یافته تلقی کردند. در واقع وزارت کار بی برد که طرح خودش با منافع کار فرما وفق نمیدهد و باین معنی قبول کرد که «نامعقول» بوده است. همینکه رانندگان از ساخت و پاخت با اصطلاح نمایندگان خود و کار فرما و وزارت کار آگاه شدند از صبح روز شنبه پنجم شهریور ماه دست از کار کشیدند و با اتکاء به نیروی خود وارد مبارزه برای احقاق حقوق مسلم خویش شدند. خواست کارگران اجرای کامل قرار داد بهمن ماه سال پیش یعنی قراردادی بود که بتصویب کار فرما و وزارت کار رسیده بود. رانندگان ماهها از طریق قانونی برای اجرای آن اقدام کردند و بی نتیجه ماند. ناچار راه دیگری جز اعتصاب وجود نداشت و این همان راهی بود که آنها را به پیروزی نسبی رساند.

نقش دولت

و «هیئت مدیره» سندیکا

در جریان این اعتصاب نقش دولت و رهبران

تعمیلی سندیکا بنحو بارزی برملا گردید. دولت عدهای از رانندگان را مانند همیشه باتهام «تحریک» باعتصاب توقف و اعتصاب را غیر قانونی اعلام کرد. وزیر کار در جریان مصاحبه خود گفت «باید گویم که در صورتیکه آنها را اخراج کنند وزارت کار هیچ نوع حمایت قانونی نمیتواند از آنها بکند» مدیر تعمیلی سندیکا نیز به پیروی از وزیر کار و مدیر عامل شرکت واحد گفت «کارگران ما که بوسیله عدهای انگشت شمار اغفال شدند دست از کار کشیدند و بعنوان اعتراض بدون اطلاع اعتصاب کردند». شهردار تهران عریبه جوانه گفت «من بعنوان شهردار اعلام میکنم که هیچ عمل خلاف قانونی را اغراض نمیتکنم و خیال میکنم که شرکت واحد بیشیننی های لازم را برای خشتی کردن این اعتصاب و تأمین رفاه مردم کرده ولی امیدوارم وضعی پیش نیاید که در صورت عدم حضور رانندگان از این پیش بینی ها استفاده و طرح ها اجرا شود» بدین ترتیب نمایندگان رژیم دیکتاتوری چهره واقعی حکومت «ظرفدار کارگر» را بی پرده نشان دادند. در این جریان هیئت مدیره تعمیلی سندیکا که معمولاً با دخالت سازمان امنیت و کار فرما بکارگران تحمیل میشوند نیز بارینکه در مصاحبه کلامی چند بار تکرار کردند که «انتخابی» هستند، ثابت نمود که نقش واقعی آنها دفاع از منافع کار فرما و اجرای دستورات رژیم ضد کارگر در لباس نماینده کارگران است. «وضع بد مالی شرکت»، «یافتاری دولت که نمیخواهد بلبطها گران شود»، «رفاه مردم» و از اینگونه عبارات دلایل مسخرهای بود که مدیر عامل، وزیر کار، شهردار تهران، و دبیر سندیکا برای ردخواست قانونی زحمتکشان راننده بدانها متوسل شدند. گوئی رانندگان تهران که یکی از پررنجترین کارها را انجام میدهند مسئول وضع بد مالی شرکت و تأمین رفاه مردم هستند نه دولت. دولت مسئول تأمین وسایل ارزان برای ترافیک پایتخت ۳ میلیونی تهران است و باید بودجه آنرا نه از راه تحمیل به رانندگان بلکه بحساب آنهاائی که تهران جولانگاه ماشینهای آخرین سیستم و بهشت بر از عیش و نوش آنهاست، تأمین کند.

چگونه رانندگان پیروز شدند؟

تنها عامل پیروزی زحمتکشان راننده اتحاد، یکپارچگی و ایستادگی آنها بود. رانندگان در مقابل فشار، تهدید و توقیف به دستگاه دولتی سر تعظیم فرود نیاوردند و با استفاده از تجربه سودمندی که یکسال پیش در جریان اعتصاب همگانی خود بدست آورده بودند، آنقدر مقاومت کردند که کار فرما ناچار شد بیست درصد بحقوق آنها بیفزاید و تعهد نماید که سایر خواستههای آنانرا

پیگره هائی در باره

پنجاه سال اقتصاد شوروی

در اتحاد شوروی اکنون در هر ۲۷ ساعت بهمان مقدار محصول تولید میگردد که در تمام سال ۱۹۲۲ تولید شده است. موافق بر آورد اقتصاد دانان شوروی، محصولات صنعتی شوروی امروز بالغ بر ۷۵ درصد حجم محصولات صنعتی آمریکا را جبر گزاری شوروی در یکی از گزارشهای خود چنین مینویسد: در سال ۲۲-۱۹۲۲ همگامیکه در نتیجه پیوند تعدادی از جمهوریهای شوروی «اقتصاد جماهیر شرق سوسیالیستی» پایه گذاری شد، محصولات صنعتی کشور بزحمت به ۳۰ درصد تولید صنعتی در سال ۱۹۱۳ ام رسید. بعبارت دیگر میزان محصول صنعتی شوروی در سال ۱۹۲۲ تنها یک دهم محصولات صنعتی آمریکا بوده، با چندین برابر کت محصول هر یک از کشورهای بزرگ اروپای غربی (مانند انگلستان، آلمان، فرانسه و ایتالیا در سال ۱۹۲۲ آمریکا ۸۰ برابر شوروی برق و ۱۱۳ برابر فولاد تولید میکرد. محصولات صنعتی شوروی از سال ۱۹۲۲ بعد ۳۲۲ برابر افزایش یافته است. طی این مدت تولید ناخالص کشاورزی (با در نظر گرفتن رشدی برابر با ۱۷۷ در نفوس) پنج برابر شده است. در سال جاری سرمایه گذاری سرانه طبق نقشه اقتصاد ۳۲۳ روبل است. در نیمقرن پیش سرمایه گذاری سرانه تنها ۱۷۴۷ روبل بود.

آهنگ رشد و تکامل اقتصاد شوروی، بخصوص در تولید صنعتی، امکان بد ساختن آن این کشور نه فقط به تمام کشورهای بزرگ اروپای غربی برسد بلکه ختم آنها بر مراتب پیشی گیرد. مثلاً ۵۰ سال پیش مجموع تولید برق انگلستان، فرانسه و ایتالیا ۲۶ برابر پیش از تولید برق اتحاد شوروی بود. بر عکس در سال گذشته اتحاد شوروی یک برابر و نیم پیش از این سه کشور برق تولید شده است. در سال ۱۹۲۲ در اتحاد شوروی تولید فولاد تقریباً فقط یک چهارم مقدار فولادی بود در سه کشور نامبرده تولید میشد. در صورتیکه محصول فولاد اتحاد شوروی در ۱۹۷۱ بیش از دو برابر این سه کشور بود. در شوروی ۱۲۰ میلیون تن فولاد تولید گردید، ولی در سه کشور اروپای غربی مجموعاً ۶۴ میلیون تن. تعداد کارگران صنعتی در نیم قرن ۱۷ برابر شده است. تعداد کارگر ساختمان ۹۳ برابر، بهداشت ۲۳ برابر، آموزش عمومی و فرهنگ ۱۶ برابر و ع تقریباً ۱۰۰ برابر شده است.

مورد رسیدگی قرار داده و انجام دهد. فاش شدن روشن و آشکار چهره هیئت مدیره قلابی سندیکای رانندگان بکارگران پیش از پیش فهاوند که تا چه حد مبارزه برای انتخاب نمایندگان واقعی خود در سندیکاهای موجود در مبارزه مطالباتی آنها تأثیر دارد.

درسی آموزنده

برای همه زحمتکشان

اعتصاب پیروزمند رانندگان تهران درسی آموزنده و تجربه ای گران بها برای تمام زحمتکشان ایران است. در نبردی که برای مطالبات حق زحمتکشان در گرفت تنها نیروئی که بیاری کارگران شتافت نیروی اتحاد و یکپارچگی آنان بود. نه شاه که معنی پشتیبانی از کارگران است، نه وزارت کار، نه دستگاههای تبلیغاتی و نه احزاب دولتی، هیچیک نه تنها کمک نمی کردند، بلکه تمام قدرت خود را بکار انداختند تا اعتصاب کارگران را درهم شکنند. کارگران در تمام سه روز مدت اعتصاب از هر اقدامی که مبارزه حق طلبانه آنها در افکار عمومی مردم لطمه وارد سازد اجتناب نمودند و با نیروی

متحد خود چهره متحد کار فرما و دولت را تمام قدرت شیطانی آنان بزانو در آوردند. پیروزی رانندگان تهران تنها پیروزی آ نیست بلکه پیروزی طبقه کارگر ایران است. که بتدریج راه مبارزه را در شرایط دشو اختناق و ترور در کشور ما هموار میسازد. تجربه این اعتصاب نشان میدهد که با نبر روز ای و اشکالی که متناسب با شرایط روز باشد میتوان و باید علیه استثمار و استبداد مبارزه کرد و پیروز شد. زنده باد مبارزه حق طلبانه زحمتکشان کشور ما!

هموطنان عزیز!

به این آدرس در استکهلم (سوئد) با را بیک ایران، ماهنامه مردم، مجله دنیا و مجله بین المللی مکتبه کنید. نظریات، انتقادات و پیشنه های خود را برای بهبود رادیو و مطبوعات و فعالیت ما ارسال دارید.

B. 49034
028 Stockholm 49
eden

مردم ایران! با رخنه روز افزون سیاسی، اقتصادی، نظامی و فکری امپریالیسم که منافی با استقلال واقعی کشور است مبارزه کنید و نگذارید که استعمار کشور ما با شیوه های مسور تر و ظریف تر ادامه یابد و سر نوشت ایران همه جانبه به اراده امپریالیسم وابسته شود!